

مقدمه

آتش یکی از چهار عنصری است که غالباً عنصری پاک کننده تلقی می شود که می تواند سره را از ناسره تمیز دهد. به گونه ای که با از بین بردن پلیدی ها و ناپاکی ها، عنصری پاک و بی غش را فراهم می کند. باور به این خاصیت آتش در مورد انسان نیز صدق می کند و با زدودن تمام تیرگی هایی که انسان به دست خود وجودش را بدان لوده، آن را به گوهری پاک که خداوند در روز نخست به او هدیه کرد، مزین می سازد.

"در برخی از روایات ایرانی، آفرینش آتش با پیدایش رویدنیا وابسته است. این رابطه نزدیک بین آتش و نبات، در تصورات اقوام هند و ایرانی، ناشی از آن است که این اقوام عادت داشتند آتش را از ساینس دو قطعه چوب به یکدیگر به دست می آوردند. در اوستا هم آتش، پسر اهورامزدا و زمین، دختر پروردگار معرفی شده است. این عنصر، دوست، برادر و نزدیکترین خویشاوند بشر است. موجودات پلید را می راند و حیوانات درنده را شبانگاه از حمله به ماوای مردمان باز می دارد. همچنین به عنوان یک میان بشر و خدایان مورد احترام بسیار بوده است. از این رو در ایران آن را مظهر ربانیت و شعله اش را یادآور فروغ خداوندی می خوانند. آتش برای شعله مقدسی که با چوب و عطر در آتشکده ها همیشه فروزان نگاه می داشتند احترام خاصی قابل بوده اند. یکی از دلایل احترام و تقدس آتش این بوده که آن را مانند آب موجود و مولد زندگی دانسته و معتقد بوده اند که وجود همه چیز به نوعی بدان باز بسته است." (یاققی، صص ۳۱-۳۴)

این عنصر برجسته علاوه بر خواص بی شمارش، وظایفی هم بر عهده داشته که یکی از آنها آزمون افراد از طریق گذشتن آنان از آتش بوده که بدین شیوه حق و باطل بودن سخنان و کردارشان نمایان می شد. داستان سیاوش در شاهنامه فردوسی که شاهکار ادب فارسی محسوب می شود، جلوه ای از این وظیفه ی خطر آتش را نمایان می سازد که به تبع آن، پاکی سیاوش را نیز به اثبات می کند. این آزمون، چنانکه گفته خواهد شد، در مورد زرتشت نیز انجام می گیرد.

با وجود این اگرچه گذر این دو از آتش برای اثبات حق و هدفی مشترک صورت گرفته بود، اما این امر در مورد سیاوش ابتدا به پاکی و طهارت وی از گناه نکرده صحنه گذاشت، و به دنبال آن، درستی سخن او به اثبات رسید. در حالیکه در مورد زرتشت ابتدا برای اثبات حق بودن سخن او صورت گرفت و به دنبال آن، آلوده نبودن او به گناه بزرگی چون دروغ بر همگان نمایان شد. چراکه در غیر این صورت، گذر آنان به سلامت امکان پذیر نبود.

* طاهره کاظمی

** دکتر شهلا خلیل الهی

آتش نماد پاکی زرتشت و سیاوش

چکیده

هدف اصلی مقاله بررسی سابقه مفهومی عنصر آتش در شاهنامه، اوستا و تبیین جایگاه آن در شخصیت زرتشت و سیاوش است. مسأله اصلی آن بررسی عنصر آتش در شاهنامه و اوستا و تقدس آن در این دو اثر است. که به روش کتابخانه ای انجام گرفته است. بنابر عقیده پیشینیان، جهان بر بنیاد چهار آتشین «با شده است و آتش یکی از عناصر چهارگانه ای است که در نظر آن ها نسبت به سایر عناصر از مرتبه و مقام والا تری برخوردار است. به گونه ای که حیات سه عنصر دیگر بدان وابسته است. این عنصر فرازین، علاوه بر اینکه اساس و پایه ی دین زرتشت به حساب می آید و قسمت اعظم اوستا به توصیف ویژگی ها و خصایص آن پرداخته است، در شاهنامه نیز بسیار مورد توجه واقع شده و محور اصلی داستان سیاوش قرار گرفته است. سیاوش شخصیت برجسته ای که از نظر سوزاندن پلیدی ها و آایشها در آتش منوری وجود خود، کاملاً هم سنگ با زرتشت است. این دو بدین گونه خویشترن را به آتش خالصی مبدل ساختند که گذر آنان را بی زیان از آتش تفته، ممکن ساخت. این امر نه تنها خلوص و پاکی طینت آن دو را به همگان نمود، بلکه بر صحت پیام و ادعایشان نیز صحنه گذاشت. با توجه به این اعتقاد که آتش، عنصر اصلی وجود زرتشت در اوستا و سیاوش در شاهنامه به شمار می رود، می توان نتیجه گرفت که ارتباطی تام بین دو شخصیتی که متعلق به دو برهه زمانی متفاوت هستند، وجود دارد که این امر منجر به درهم شکستن فاصله زمانی و قرار گرفتن آن دو در یک موقعیت مقدس شده است.

کلید واژه ها: شاهنامه، اوستا، آتش، سیاوش، زرتشت